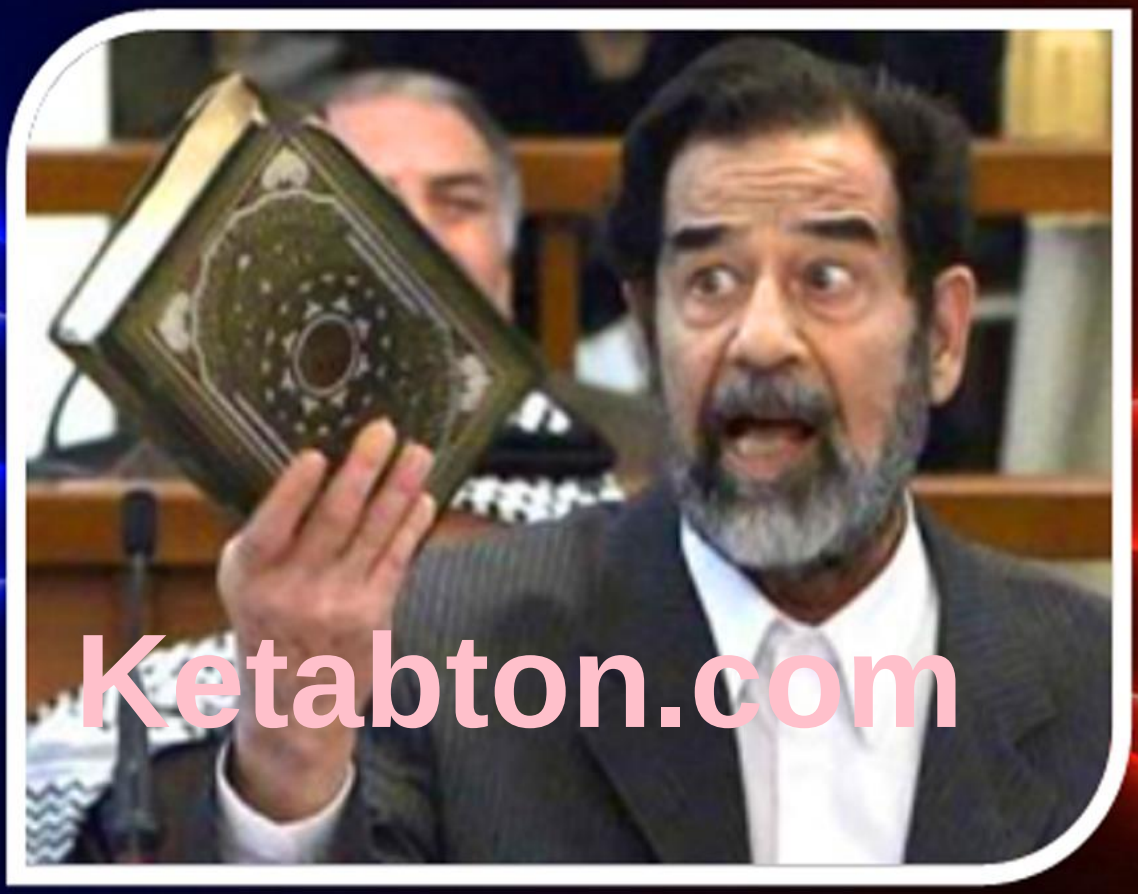
خطاطي قرآن
به خون صدام حسين



Ketabton.com

دیدار الهام سلیم جان دختر صدام حسین

۱۳۹۶



تتبع ونگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

www.masjed.se

ketabton.com - The Digital Library

خطاطي قرآن
به خون صدام حسين

صدام حسين بعد از اينكه پسربزرگ اش «**عُدي**»،از يک حادثهء ترور جان به سلامت برد ، خطاط مشهور عرق را احضار كرد و برايش هدايت فرمود كه يك جلد قرآن كريم را به عنوان نذر با استفاده از خون وي (**صدام**) خطاطی نمايد.
(«**عُدي**»،از جمله پسران بزرگ صدام حسين بود ، ودرضمن مسؤليت امنيتی پدر خويش را نيز بدوش داشت ، در سال 1996 ميلادی مورد حمله مسلحانه مرگبارقرار گرفت ، وميگويند 30 مرمی بر وجودش واز جمله يک مرمی بر كمر ش اصابت نمود، اطبا ء مشهور عراقی وخارجی با مشكل توانستند بجز از مرمی اصابت شده دركمر ، ساير مرمی را از وجودش خارج نمايد .وی بالاخره در سال كه درسال 2003 توسط نيرو های امريكايی در شهر موصل كشته شد)
روزنامهء «الشرق‌الاوسط» ـ چاپ لندن در اين مورد به نقل ازخطاط عراقی بنام عباس شاكر جودي ـ كه فعلا در كشور پادشا هی اردن زندگی ميكند مينويسد :
يكی از روز ها صدام حسين مرا به شفاخانه بنام «**سينا**» (اين شفاخانه مربوط فاميل صدام حسين بود) فراخواند و همانجا در حضور پسر خويش عُــدي كه در بستر مريضي خوابيده بود، از من خواست كه تمام قرآن كريم را با خون او بنويسم.
شاكر خطاط ادامه ميدهد كه: «من بطوری متداوم مقداري خون از صدام حسين مي گرفتم، تا به نوشتن قرآن ادامه دهم.»
اين خطاط عراقي افزود: « نوشتن ۱۱۴ سوره قرآن، كه ۶۰۵ صفحه ميباشد تقريباً دو سال طول كشيد. با اهداء بيش از ۲۷ ليتر خون صدام حسين خطاطی شده است. گفته ميشود خطاطی مذكور اين قرآن كريم نوشته شده به خون صدام حسين را در سال 2000 م به اتمام ر سيد و دريک مسجدی در غرب بغداد قرار گرفت.
بعد از حملـۀ ايالات متحدهء آمريكا بر عراق در سال 2003 مسئولان مسجد اين قرآن را از ترس تلف شدن، پنهان كردند. هرچند در سال های 2000 تا 2003 م دو يا سه بار اين قرآن كريم نوشته شده به خون صدام حسين، برای عموم مسلمانان به نمايش گذاشته شده بود، ولی بعد ها اين قرآن از انظار پنهان شد .
قرآن كريم خطاطی شده به خون صدام حسين، هماكنون در موزيم «**ام‌المعارك**» بغداد نگهداري مي‌شود.
شاكر افزود: « اولين صفحه‌ای را كه نوشتم، آنرا براي بررسي و تأييد به كميته مخصوصی تسليم نمودم ، اين كميته علاوه بر ظرافت متن، مقاومت آن براي مدت طولاني نيز مورد بررسي قرار داد».
وی می افزايد: « هرگاه مخزن خون خالي می شد، از محافظان صدام می خواستم كه باز هم به من خون بدهند». خطاطی مذكور ميگويد كه: « گاهی اوقات نيز به خاطر مصروفيت های صدام و تهديدات جدي آمريكا عليه عراق، چند روز و حتی چند هفته منتظر می ماندم».
خانم « نجاح »، همسر اين خطاط عراقي می گويد: «**هرگاه دروازه يخچال را باز مي‌كردم و بوتل خون صدام حسين را ميـديدم، به خود می لرزيدم**».

ketabton.com - The Digital Library

شیخ احمد السامرایي رئیس اداره اوقاف یکی از علمای مشهور اهل تسنن کشور عراق ،درباره‌ء خطاطي قرآن کریم به خون صدام حسین میگوید: این نسخه از قرآن میلیون‌ها دلار ارزش دارد ومن مدت سه سال آنرا از دستبر د وتلف شدن محافظت نموده ام . من بدین امر معتقدم که استفاده از خون برای کتابت وخطاطی قرآن در اسلام سابقه ندارد ، ولی من از این قرآن طی حمله امریکایی ها به عراق محافظت کردم.

خواننده محترم !

حالاکه این قرآن کریم به خون صدام حسین خطاطی شده است ، بسیاری از خواهران وبرادرن می پرسند وپرسیده اند که آیا نوشتن قرآن عظیم الشان به خون وآنهم به خون انسان (صدام حسین) در شرع اسلام جواز دار ویا خیر ؟
واصلاً استفاده از خون در شرع اسلام حلال است یا حرام ؟
وحالا که این قرآن به خون صدام حسین « **یعنی دَمً مَّسْفُوحً** » خطاطی شده است، آیا تلاوت آن از نگاه شرع اسلامی جواز دارد ویا خیر ؟

خون چیست ؟

علماء در تعریف خون مینویسند: خون عبارت از یک مایع سرخ رنگی است که در تمام رگ‌ها ی بدن انسان جریان دارد، وتوسط همین خون است که جسم تغذیه میگردد. طعم خون متمایل به شوری است ، ودارای بوی مخصوص میباشد. خون از کرویات سفید و سرخ و پلاسما ترکیب یافته است.
خون نقش حیاتی را در جسم انسان دارا میباشد. طب امروزی برای تشخیص درد و پیدا کردن عامل اصلی امراض(دیاگنوز)، اکثراً به معاینات ویا هم معاینات لابراتواری خون مراجعه مینمایند .

حکم خون در اسلام :

کلمـهٔ « خون » که درعربي آنرا « **دم** » گویند در قرآن عظیم الشان (۱۰) بار ذکر شده است .
پروردگار با عظمت ما در چهار سوره ی قرآن عظیم الشان با الفاظ مختلف به خون و پرهیز از خوردن آن اشاره کرده است. در سه آیه با الفاظ شبیه به هم آمده « **إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ**.... » ولی در سوره‌ی انعام آیه‌ی ۱۴۵ این گونه آمده است: « بگو ای پیامبر در احکامی که به من وحی شده، من چیزی را که برای خورندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه مردار حیوان باشد. یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که آن پلید است.»
موضوع خوردن خون در میان اقوام و ملل جهان سابقه‌ای طولانی داشته و در دوران جاهلیت یعنی قبل از اسلام نیز مردم خون را می‌خوردند آنها گوسفند را سر نمی‌بریدند که مبادا خونش بریزد و از بین برود. بلکه با گرفتن خون از طریق رگ زدن، از خون حیوانات استفاده می نمودند.
بعد از ظهور اسلام و نزول آیات الهی از قرآن عظیم الشان درین مورد ، مبارزه شدیدی با خوردن خون آغاز گردید وخوردن خون در قرآن عظیم الشان بصورت مطلق ممنوع شد.
قرآن کریم میفرماید: « بگو ای پیامبر! در احکامی که به من وحی شده چیزی که برای خورندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه مردار باشد یا خون ریخته »

ketabton.com - The Digital Library

خداوند متعال در سوره‌ی مائده آیه 3 تأکید میکند که حیوانات حلال گوشت را ذبح نمایید. ذبح شرعی با بریده شدن وقطع رک ها و شریان‌های بزرگ (چهار رگ اصلی) باعث خروج تمام خون بدن حیوان می‌شود و دست و پا زدن حیوان ذبح شده نیز به این امر کمک میکند.
بسیاری از مفسرین وفقها, خرید و فروش و هر نوع استفاده ای از خون را حرام اعلام داشتند .علت اساسی این امر در این نهفته بود که : اعراب بجز از خوردن خون درفکر استفاده دیگری از خون نبودند ، بنآ دین مقدس در نص صریحی قرآنی آنرا حرام اعلام داشت ، وخون را در ردیف سایرمحرمات ونجاسات قرار دادند .
ولی در باره خون انسان, نه ازحلیت سخنی گفتند ونه از حرمت آن زیرا، فایده و منفعت عقلانی و مفید و کارساز، برای خون انسان متصور نبوده است که فقها آن را به بحث بگذارند که آیا چنان استفاده ای از خون رواست، یا ناروا.
از آن جا که امروز، منافع کثیری برای خون وبخصوص برای خون انسان کشف شده، این بحث مطرح می شود که مفاد ادله حرمت استفاده چیست؟
آیا مطلق بهره برداری وخرید وفروش حرام آن است، یا فقط خوردن آن و خرید و فروش در راستای منافع حرام؟ آیا دلایل را که فقهادر مورد حرمت خون ارایه داشته اند ، خون انسان را که در طب امروزی مقام مهمی را دارا میباشد ،ودر بخش معاینات مریضان در شفاخانه ومراکز صیحی از آن استفاده وسیع می برند، در برمی گیرد؟ یا خیر منظور آنان فقط خون حیوان بوده و آن هم (اکل) و یاخرید و فروش آن .
طوریگه ملاحظه میگردد ، حرمت خون درنصوص شرعی که در فوق تذکر یافت با توجه به قرائن موجود, به اعتبار (خوردن) است, نه هر نوع استفاده و بهره برداری دیگر از خون.

هر حرام نجس نیست ولي هر نجس حرام است!

نجاست و طهارت اشیاء احکام وضعی و تکلیفی اند که در دین اسلام وسایر شرایع، چنین احکامی وجود دارند. در دین مقدس اسلام اصل بر طاهر و پاک بودن اشیاء است مگر آنکه دلیلی صریح بر نجاست آن در شریعت وارد شده باشد .
نجاست اشیا به دلایل متعدد است، یا به جهت خبیث و بد بودن ظاهر آن‌ها و تنفر طبیعت انسانی از آن‌ها نجس شده‌اند، مانند بول (شاشه) و غایط ، یا به جهت خبث وبد باطنی آن‌ها مانند کافر و یا به جهت ضرر و زیانی که می تواند داشته باشد مانند سگ، یا به دلایل دیگر که برخی از آن‌ها در شریعت اسلام بیان شده و برخی بیان نشده‌اند. در مورد علت نجاست خون، که به کدام علت وفلسفه خون مورد نجاست قرار گرفته دلایل زیادی در دین وجود ندارد .
برخی از علماء بدین عقایده اند که : شاید علت نجاست خون به سبب بعضی ازامراض و انتقال برخی از مریضی به واسطه خون است و یا هم این نجاست به علتی باشد که طبع انسان اینست که از خون خوشش نیامده واز آن دوری می کند ، البته نه در زمانی که خون در بدن باشد ، حتی در بعضی از موارد، برخی از خون‌ها حکم نجس را ندارند،بطور مثال ً خون حیوانات که خوردن گوشت شان حلال است ،که بعد از ذبح شرعی، اگر مقداری از خون که در گوشت باقی بماند ، در حکم خون طهار بشمار میرود ، وفقها بر پاکی آن حکم صادر نموده است .

ketabton.com - The Digital Library

نکته آخر این که علت اصلی و واقعی و به تعبیر دیگر « علت تامه» احکام و از جمله نجاست و طهارت اشیا برای ما مشخص نیست و آنچه در روایات امده و علت بعضی از احکام را بیان کرده است، تنها حکمت‌ها و علت ناقصه را بیان کرده‌اند. علت واقعی و حقیقی این احکام و مصلحت و مفسده‌های واقعی که در آن‌ها وجود دارند، برای ما کاملاً مشخص نشده‌اند .

طوریکه قبلاً اشاره شد ، حکمت وفلسفه حلال وحرام برای ما انسانها دقیقاً معلوم نیست ،اگرچه حکمت وفلسفه آن نزد پروردگار مصلحت واقعی و حقیقی دارد که ما از آن‌ها خبر نداریم و به همین خاطر باید تعبداً آن‌ها راقبول کرد.

این را باید قبول نمایم که، نجاست و حرمت خون از این امر مستثنا نبوده و نجاست و حرمت مبتنی بر مفاسد و پیامدهای منفی است که در خوردن خون وجود دارد. به نظر میرسد بین نجاست خون و حرمت خوردن آن رابطه وجود دارد، یعنی به دلیل زیان‌هایی که در خوردن وجود داشته، اسلام اول به نجاست آن حکم صادر کرده است. وبعد از آن به خوردن آن تا مسلمانان از ان پرهیز نمایند .

برخی ازمفسرین در تفسیر آیه 173سوره بقره میفرماید : دومین چیزی که در آیه تحریم شده « خون» است. خونخواری هم زیان جسمی دارد و هم اثر سوء اخلاقی، چرا که خون از یک سو ماده کاملاً آماده‌ای است برای پرورش انواع میکرب‌ها.

تمام میکرب هایی که وارد بدن انسان میشوند، به خون حمله میکنند. و آن را مرکز فعالیت خویش قرار میدهند، به همین دلیل گرویات سفید که وظیفه محافظین و سربازان جسم را ایفاء میکنند ، همواره در منطقه خون پیرادری میکنند تا میکروب‌ها به این سنگر حساس که به تمام مناطق بدن ارتباط نزدیک دارد، راه پیدا نکنند. مخصوصاً هنگامی که خون از جریان میافتد و به اصطلاح میمیرد، وگرویات سفید از بین میرود، زمانیکه کرویات سفید از بین روند ویا در وجود تقلیل یابند ، امکان نفوذ میکروب ها در بدن گسترش می یابد .اگر توجه به فرماید زمانیکه خون در وجود انسان لخته ویا بمیرد از جمله ، آلوده‌ترین اجزای بدن انسان و حیوان مبدل میگردد.

در روایت اسلامی آمده است که : «آنها که خون میخورند، آن چنان سنگدل میشوند که حتی ممکن است دست به قتل پدر و مادر و فرزند خود هم بزنند. »

گروه های شیطان پرست ، بخاطر تربیت افراد خویش محافلی عبادی رابرای افراد داوطلب خویش در شب های بارانی وتاریک در قبرستان هاتدویر نموده ، وبا نمایش خون ،اعضای خویش را خونخوار وسنگدل تربیه مینمایند.

به خاطرهمین زیان‌های اخلاقی، روانی و جسمی خون بوده است که دین مقدس اسلام نه تنها به نجاست خون حکم صادر نموده بلکه آن را بصورت مطلق حرام ساخته است .

« حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ ما أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُوذَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ ما أَكَلَ السَّبُعُ إِلاَّ ما ذَكَّيْتُمْ وَ ما ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلامِ ذلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ دينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَ رَضيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ ديناً فَمَنِ اضْطُرَّ في مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ» (سوره : مائدة) (بر شما حرام شد (خوردن) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه (در وقت کشتن) نام غیر خدا بر آن برده شده و حیوان خفه شده و به وسیله زدن مرده ، و از بلندی پرت شده و مرده و به شاخ حیوان دیگری

ketabton.com - The Digital Library

مرده و آنچه درنده آن را کشته و از آن خورده ، مگر آنچه را (از موارد فوق که قابل تذکیه بوده) تذکیه کرده اید و همچنین آنچه بر روی سنگ مقدّس (یا برای بت ها) سر بریده شده ، و (نیز حرام شد) قسمت کردن (گوشت حیوانی) با تیرهای قمار ، که همه این اعمال فسق است ، - امروز کسانی که کفر ورزیده اند از (ابطال و ازاله) دین شما مأیوس گشته اند ، پس از آنها مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل ، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان دین (استوار و پایدار) پذیرفتم ، - پس اگر کسی در حال قحطی و گرسنگی شدید بدون تمایل به گناه (به خوردن بعضی از آن حرام ها) ناچار شود ، خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.)

بنآ دیده میشود که دین مقدس اسلام از خوردن خون نهی و به نجاست آن حکم صادر شد ، اما استفاده‌های معقول مانند تزریق خون برای نجات جان مجروحان و مریضان و مانند آن، در شرع اسلام کدام مشکلی ندارد، حتی دلیلی بر تحریم خرید و فروش خون برای این موارد در دست نیست، چرا که استفاده‌های عقلایی و مشروع مورد ضرورت عمومی است و این بدان جهت است که آثار منفی خون در نجاست و حرمت خوردن نقش دارند.

آیا خون شکنندۀ وضو است؟

همه علماء وفقها بدین باور اند که ،خروج خون از بدن (به جز از سبیلین) (طریق مقعد و آلت) کم یا زیاد، از طریق زخم یا حجامت باشد، موجب باطل شدن وضؤ نمی گردد. و این مذهب امام مالک و شافعی است، ولی امام ابوحنیفه می گوید که وضو باطل می شود و در مذهب حنابله هرگاه خون خارج شده زیاد باشد، وضو باطل می گردد.

ولی قول امام شافعی و امام مالک ارجح و صحیح تر است زیرا:

۱- تمامی احادیثی که در مورد واجب شدن وضو بر اثر خروج خون آمده اند، هیچ کدام صحیح نیستند.

۲- اصل بقای وضو است مگر آنکه نص یا اجماع بر نقض آن دلالت داشته باشد.

۳- حسن بصری رحمه الله گفته است: «ما زال المسلمون یصلون فی جراحاتهم»

(مسلمانان همواره با جراحاتی که برمی‌داشتند، نماز می‌گزاردند). بخاری آنرا ر وایت کرده است، و گفته است:

«ابن عمررضی الله عنهما، (دانه بخار) روی خویش را فشار داد و از آن خون برون پرید و بعد از آن وضؤ نگرفت ونماز خواند . ودر روایت دیگری آمده است که: ابن ابی اوفی همراه با آب دهان، خون از دهنش بیرون آمد ،ولی وضؤنگرفت و به نماز خویش ادامه داد.

همچنان امیر المومنین عمر بن خطاب در حالی که مشغول نمازخواندن بود ، توسط ابو لولو زخمی گردید در حالیکه خون از وجودش جریان داشت به نماز خویش ادامه داد ، اگر جاری شدن خون موجب شکننده وضو میبود ، امیر المومنین از ادامه نماز وبخصوص امامت قوم صرف نظر میکرد .

همچنان عباد بن بشر در حالیکه مصروف نمازبود ، چند تیر از جانب دشمن بر بدنش اصابت کرد ، وخون از بدنش جاری بود، ولی این صحابی جلیل القدر ، نماز خویش را قطع نکرد ، بلکه به نماز خویش ادامه داد . (حدیث را ، ابوداود و ابن خزیمه و بخاری بصورت تعلیق، آنرا روایت کرده‌اند.)

ketabton.com - The Digital Library

۴- همچنان در روایت اسلامی آمده است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم حجامت کرد و نمازش را خواند و وضو نگرفت، وتنها جای حجامت و خون گرفتگی را شست.
و روایت شده است که: چون دو مرد از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم در غزوه «ذات الرقاع» از مسلمانان حراست و پاسداری می کردند یکی از آنان به نماز ایستاد و مردی از کافران به سوی وی تیری انداخت ، در حالیکه مصروف نماز خواندن بود ، تیر اصابت شده بدن خویش در حالیکه با شدت زخمی شده بود وخون از بدنش جریان داشت به نماز خویش ادامه داد ، و سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن اطلاع پیدا کرد و آن را انکار ننمود. و چون چیزی که از دو مجرای پیش و پس بیرون می آید خصوصیتی دارد که در غیر آنها یافت نمی شود.
خروج خون از بینی هنگام نماز، نماز را باطل نمیکند زیرا اولا قول راجح اینست که خون بنی آدم نجس نیست، زیرا اصحاب پیامبر صلی الله علیم و سلم در جنگ زخمی بوده اند ولی در همان حالت خون آلود نماز را میخواندند، ولی خون حیض و یا خونی که که از سبیلین (شرمگاه و مقعد) خارج شود نجس هستند.
و ثانیا خروج خون از بدن وضوء و نماز را باطل نمیکند، زیرا دلیلی برای بطلان وضوء و نماز هنگام خروج خون از بدن وارد نشده است.

خون نجس دراسلام:

۱- خون در حال حیات از حیوان جاری گردد بحیث خون نجس بوده ودر قرآن عظیم الشان بحیث نجس اعلام گردیده است وآیه ۱۴۵ سوره انعام به این صراحت میفرماید :« قُل لاَّ أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلاَّ أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا» (بگو: در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته باشد.)
اما در مورد خون باقی مانده در گوشت حیوان ذبح شده،طوریکه قبلاً هم بدان اشاره شد ، دین مقدس اسلام این خون را نجس ندانسته وآنرا مانند خونی که بعد از ذبح در بدن حیوان باقی می‌ماند مانند بقیه‌ی اعضای حیوان است ، خوردن ان حلال میباشد .
از ابومجلز درباره‌ی
خونی که در محل ذبح حیوان باقی می‌ماند و خونی که روی دیگ می‌ماند، سوال کردند؟
گفت: اشکال ندارد، فقط از خون جهنده و جاری نهی شده
است. عبد بن حمید و ابوالشیخ این مطلب را از او نقل کرده‌اند. از عایشه -رضی الله عنها -روایت شده که:« **كنا نأكل اللحم والدم خطوط على القدر**» (ما
گوشت می‌خوردیم در حالیکه خطوط خون، بر روی دیگ نمایان بود). (فقه السنه)

۲- خون حیض :

خون حیض به دلیل حدیث حضرت عایشه و اسماء ، نجس است :
از اسماء دختر ابوبکر رضی الله عنه روایت است : « **جاءت امرأة إلى النبى صلى الله عليه وسلم فقالت : إحدنا يصيب ثوبها من دم الحيض كيف تصنع؟ فقال : تحته ثم تقرصه بالماء ثم تنضحه، ثم تصلى فيه**» (زنی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت : اگر لباس یکی از ما به خون حیض‌آلوده شد، چکار بایدبکند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : آن را از لباسش بزدایدو سپس با نوک انگشتان و آب آن را بشوید و سپس بر روی آن، آب بریزد و در آن نماز بخواند) (متفق علیه)

۳- **اما خروج خون از بدن** (بجز از دو سبیل پشت و جلو) موجب باطل شدن وضو

ketabton.com - The Digital Library

نمی شود.
هیئت دائمی افتا در این باره می گویند: « دلیل شرعی در دست نداریم که خروج خون از بدن (غیر از راه‌های عقب و جلو) ناقض وضو باشد. اصل این است که خون ناقض وضو نیست و مبنای عبادات توقیفی است. بنابراین هیچ کس اجازه ندارد که بگوید این عبادات مشروع است؛ مگر آن‌که دلیلش را ارائه بدهد.
یادداشت ضروری :
طوریکه قبلاً یاد اورشدیم ، برخی از علما خروج خون را از نواقض وضؤ دانسته‌اند. بنابراین اگر کسی در اثر خروج خون (ولو این‌که از غیر شرمگاه خارج شود) وضؤ بگیرد کارش خوب و پسندیده است و راه احتیاط را در پیش گرفته و خودش را از اختلاف فقها خلاص نموده است. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم فرموده است: « **دَعْ مَا يَرِيبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيبُكَ** »نسائی، ترمذی، حاکم...
(آنچه که تو را به شک می‌اندازد آنرا ترک کن و به سوی چیزی برو که تو را به شک نمی‌اندازد) .(فتاوای انجمن دایمی مباحث علمی و افتا (۲۶۱/۵).

۴- خون ماهی:

در مورد خون ماهی همه علماء متفق القول اندکه : خون ماهی پاک است. زیرا ماهی مرده پاک است و این دلیلی است بر این‌که خون آن نیز پاک میباشد ؛ زیرا فلسفه‌ی تحریم مردار، بقای خون در وجود آن است.
پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم می‌فرماید: «**مَا أَنْهَرَ الدَّمَ وَذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكُلْ**» بخاری (۲۴۸۸) و مسلم (۱۹۶۸). «هر وسیله‌ای که موجب جاری شدن خون از حیوان است و (به هنگام ذبح) نام الله بر آن ذکر شده باشد از گوشت آن بخورید».

۵- خون مگس، پشه :

خون مگس ،پیشه و امثال اینها در شرع اسلامی پاک است، زیرا این حشرات اگر بمیرند باز هم پاک‌اند، کما این‌که حدیث «امر به فرو بردن مگس در نوشیدنی‌ها» دلالت بر همین مطلب دارد. بخاری (۳۳۲۰-۵۷۸۲)

الوده شدن لباس باخون انسان وخون حیوانات حلال :

در مورد اینکه اگر لباس انسان با خون انسان ویا خون حیوان حلال الوده شود ، لباس نجس میگردد یا خیر ؟ فقهای اسلام بدو دسته تقسیم گردیده اند :

دسته اول :

خون انسان وخون حیوانات حلال نجس است :

تعداد از علما ء از جمله امامان اربعه (امام ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد) همگی در این امر متفق اند که : خون انسان (وخون حیوان حلال گوشت) در صورتیکه این خون بر لباس ویا بدن ریخته شود نجس است، و نباید نماز با لباس خون الود ویا بدن خون الود ویا آلوده به (خون انسان وحیوان حلال گوشت)خوانده شود ، زیرا شرط صحت نماز پاکی بدن از نجاسات است و خون انسان نجس است.
اگر ثابت شود که بر نجاست خون انسان اجماع وجود دارد، در آنصورت به دلایل موافقین بر طاهر بودن خون التفات نمی شود، زیرا اجماع حجت قاطعی است که عدول از آن جایز نیست.

ketabton.com - The Digital Library

امام ابن قیم رحمه الله در (إغاثة اللهفان ۲۴۰/۱) چنین مینویسد :
« از امام احمد سوال شد: آیا خون و چرک زرد (زخم بدون خون) نزد شما یکی است؟ فرمود: خیر، خون انسان مردم در (نجاست آن) اختلاف ندارند.»
علما این قول امام احمد را دلیل بر اجماع امت بر نجس بودن خون دانسته اند و لذا اکثر قریب به اتفاق علما حکم به نجاست خون داده اند و بر اساس این حکم نمازی که با لباس خونی انسان آغشته شده باشد، صحیح نیست.
امام ابن حزم رحمه الله در «مراتب الاجماع» گفته: علما بر نجاست خون اتفاق دارند.
همچنین حافظ ابن حجر در فتح الباری (۴۲۰/۱) این اتفاق علما را نقل کرده است.
و امام ابن عبدالبر در «التمهید» (۲۳۰/۲۲) می گوید: « حکم تمامی (انواع) خون بمانند خون حیض است مگر آنکه قلیل و اندک باشد که از آن گذشت شده است.و این اجماع مسلمین است که خون مسفوح (جاری) رجس و نجس است.
و امام ابن عربی در «احکام القرآن» (۷۹/۱) نوشته: « علما اتفاق کرده اند که خون حرام و نجس است و خورده نمی شود و انتفاع از آن صورت نمی گیرد.»
و امام نووی در «المجموع» (۵۷۶/۲) می نویسد: « دلائل وارده بر نجاست خون ظاهر و واضح هستند، و نمی دانم که در این مورد احدی از مسلمین خلافی گفته باشند بجز آنچه که صاحب کتاب الحاوی از بعضی از متکلمین حکایت کرده: خون طاهر است، اما گفته و نظر متکلمین در اجماع محسوب نیست.»

دسته دوم :

خون انسان وخون حیوانات حلال نجس نیست :

تعداد از علما منکر وجود اجماع شده اند و با استناد به برخی از نصوص حکم به پاک بودن خون انسان صادر نموده اند .این تعداد از علما ء حکم صادر نموده اند : نماز کسی که لباسش به خون انسان آلوده شده باشد ، لباس اش نجس نه ونماز اش صحیح است.
این علما معتقد اند که :
۱- اصل در اشیاء پاکی یعنی طهار بودن انها تا زمانیکه حکم نجاست بر آن صادر نشده باشد طوریکه از روایات اسلامی معلوم میگردد که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن بدون (خون حیض) امر نموده اند ولی اگر خونی از اثر جراحت وحجامت وسایر موارد از بدن انسان جاری میشود اگر در جمله خون نجس شامل میگردید پیامبر صلی الله علیه وسلم حتماً عامل نجسات آنرا بیان میداشت .
در حدیث متبرکه آمده است : ازاسماء (رضی الله عنها) روایت است که گفت : زنی نزدپیامبر صلی الله علیه وسلم آمده وگفت : اگر کسی ازما بالای لباسش حیض شود، چه باید بکند ؟ فرمودند :(آن را بخراشد ، بعد ازان آنرا درآب بهم مالد، وآب را برآن بپاشد (یعنی آنرا آب کشد) ودران نماز بخواند.
۲- نباید فراموش کرد که در تاریخ اسلام تعداد زیادی از حوادثی به وقوع پیوسته است که صحابه کرام مجروح گردیده اند دیدیه نشده که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن آن کرده باشد ویا فرموده باشد که این خون نجس است .
وهمچنان ادامه نماز توسط امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) مبین این امر است که : در صورتیکه خون نجس میبود ، حضرت عمر در لباس نجس به نماز خویش ادامه نمیداد بلکه در همان اولین لحظه به نماز خویش خاتمه میداد .

ketabton.com - The Digital Library

ابن تیمیه گفته است:

« شایسته است لباسی را که با چرک وتراوش زخم آلوده شده باشد ، بشویند ولی دلیلی بر نجاست وپلیدی آن اقامه نشد است ». بهتر آنست که بقدر امکان ، انسان از آن پر هیز کند .

علامه شیخ ابن عثیمین می گوید:

«از ظاهر نصوص چنین برداشت می‌شود که تطهیر خون خارج از بدن واجب است، این سخن را بدان خاطر گفتیم که در روایات داریم که زخم پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم شسته شد. ولی این سخن‌ها ممکن است با مطلب ذیل در تعارض باشد: اگر اجزای جدا شده از بدن انسان پاک است، پس خونی که از بدنش بیرون می‌آید باید به طریق اولی پاک باشد. لیکن به دلیل ظاهر نصوص و پرهیز از شبهات، احتیاط در شستن خون است.»

(مجموعه فتاوا و رسایل (266/11)

خواننده محترم !

حالا به اصل موضوع خویش بر میگردیم که ایا اساساً نوشتن قرآن که توسط خون «مسفوح» صدام حسین صورت گرفته در شرع اسلام جواز دارد یا خیر ؟

وآیا برای یک مسلمانان جواز دارد که قرآن نوشته شده به خون (مسفوح) را تلاوت نماید یا خیر ؟

وهمچنان حالا که این قرآن به خون صدام حسین (**یعنی دَمً مَّسْفُوحً**) خطاطی شده است، آیا تلاوت آن از نگاه شرع اسلامی جواز دارد ویا خیر ؟

قبل از همه باید گفت که خواندن قرآن به دم مسفوح در شرع کدام ممانعت نداشته ، ولی اکثریت علما ء بدین نظر اند که خواندن قرآن تلاوت شده با خون از جمله تقوا نبوده بهتر خواهد بود که اصلا این قرآن قرائت هم نگردد . ولی در مورد خطاطی قرآن غرض تقرب الی الله ویا به اصطلا ح نظرانه توجه خوانند گان محترم را به فتوای علمای برجسته جهان اسلام در این مورد جلب نموده ، امیدوار هستم که در مورد مفید ومواثر باشد :

فتوای اول :

سوال : هنالك شخص نوى أن يتقرب إلى الله فسحب من دمه على فترات وكتب بدمه القرآن الكريم. فما حكم هذا الرجل؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد:

فقد بوّب البخاري في صحيحه: باب العلم قبل القول والعمل، وذكر قوله تعالى: فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر لذنبك. (محمد: ١٩).

فالواجب على كل مسلم قبل أن يتقرب بقربة، أو يفعل ما يظنه طاعة، أن يتثبت من أنها مما يقرب إلى الله عز وجل, فإن التقرب إلى الله لا يكون على وفق أهواء الناس ورغباتهم، وإنما مرد معرفة ذلك إلى ما بينه النبي صلى الله عليه وسلم لأمته, فإنه ما ترك شيئا يقرب إلى الله إلا دل عليه, ولا ترك شيئا يقرب من النار إلا حذر منه, وما فعله هذا الرجل هو من أقبح الجهل وأبينه, فإن كتابة القرآن بالدم منكر عظيم، وذلك لأن الدم نجس عند أكثر أهل العلم، كما بينا في الفتوى رقم: ٣٩٧٨ .

وكتابة القرآن بالنجاسات من أعظم الامتهان له, وإذا كان لا يجوز أن يمسه محدث ونجاسته حكمية لا حسية, فكيف تكتب حروفه وكلماته بالنجاسة الحسية عياذا بالله من الخذلان.

ketabton.com - The Digital Library

ولولا الجهل لحُكم على هذا الرجل بحكم من يمتهن القرآن وهو معلوم لدى أهل العلم,
وهكذا يفعل الجهل بأصحابه فإنه يفعل بهم الأعاجيب، فيصدق على الواحد منهم قول الله عز وجل: قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أعمالا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا .(سوره الكهف: 103، 104) .
ولذا فنحن نهيب بعموم المسلمين أن يجتهدوا في تعلم أحكام الشرع وأن يطلبوا العلم من مظانه لئلا يقعوا في أمثال هذه المخالفات الشنيعة.

ترجمه حكم فتواى سوال اول :

شخصي به نيت تقرب (نزديكي جستن) به الله (ج) از خون خود، قرآن كريم را نوشته كرده.
حكم اين از نظر اسلام چيست؟
همه ستايش تنها براي خداوند (ج)، درود وسلامتي بر فرستاده الله وبر آل وصحابه گانش، اما بعد.
امام بخاري درصحيح خود بخاري شريف، باب مستقل تحرير نموده بنام(باب العلم قبل القول والعمل)ياد ميشود .
علم پيش از سخن وعمل است(علم وآگاهي به سخن وعمل حق تقدم دارد) (آيه 19 سوره محمد) گواه براين حقيقت است . پس بدان كه معبودي جز الله نيست وبراي گناه خود ومردان وزنان با ايمان استغفار كن خداوند (ج) حركت وقرار گاه شما را ميداند.
پس واجب براي هر مسلمان اين است، قبل از اينكه تقربي را بخواهند، ويا عملي را انجام دهندكه برگمان شان آن طاعه است،قبلاً ثابت بسازند كه آن عمل از جمله اعمالي است كه بخداوند (ج) انسان را نزديك مي سازد، زيرا تقرب جستن به الله (ج) حسب خواهشات ورغبت مردم نمي شود بلكه مرجع شناخت آن محمد(ص) مي باشد كه براي امت خود معرفي نموده زيرا او هرعملي كه انسان را به الله (ج) نزديك بسازد برآن دلالت كرده است وهر عملي را كه انسان را از دوزخ دور مي سازد، از آن ترسانده است، مرد كه اين عمل را انجام داده از قبيح ترين جهل ونا فهمي بحساب مي رود، آگاه مي سازم براينكه، كتابت قرآن كريم به خون، منكر عظيم (عمل بد و شنيع است) زيرا خون نزد اكثر اهل علم نجس وحرام است، چنانچه در فتواي نمبر (3978) بيان نمودم كه كتابت قرآن كريم به اشياي نجاست وحرام از بزرگترين اشتباه است، وقتيكه قرآن كريم را شخص بي طهارت مساس كرده نمي تواند، با وجود بي وضوء بودن نجاست حكمي است ونه حسي، خون نجاست حسي وحقيقي است، چگونه نوشته كلمات وحروف قرآن كريم نعوذ بالله به نجاست حسي درست است؟
اگر موضوع نا فهمي نمي بود من برآن مرد حكم مي كردم كه به قرآن كريم اهانت كرده است، چنين موضوع نزد اهل علم معلوم است، طبقه جهال با هم نشينان خويش اعمال تعجب آور را مرتكب مي شوند، گفتارقرآن كريم به اعمال اين گروه صدق مي كند، آيه 103- 104 سوره كهف ارشاد مي فرمايد، ترجمه : بگو آيا به شما خبر دهم كه زيانكار ترين (مردم كيايند، آنها كه تلاشهايشان در زندگي دنيا گم ونابود) شده با اينحال گمان مي كنند كارنيك انجام مي دهند.
بدين جهت من به عموم مسلمانان توصيه ميكنم، در آموختن احكام شرع كوتاهي نكنند، علم بياموزند، تا در چنين موضوعات شنيع رو برو نشوند.

ketabton.com - The Digital Library

سوال وفتواى دوم :

هل يجوز كتابة آيات من القرآن الكريم بدم البشر سواء كانوا أحياء أو ميتين؟ وما هو موقف الذي أمر بالكتابة؟ وما هو موقف الذي ساعد أو أيد؟ وهل هناك فرق في الحالة بين الفاعل إذا كان مسلما أو غير مسلم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد:

فكتابة آيات القرآن الكريم بدم البشر أو غيره من النجاسات أو المستقذرات طبعاً ولو كانت طاهرة لا تجوز شرعاً، وكذلك الأحاديث النبوية، ومن فعل ذلك استهانة بالدين فهو كافر مرتد عن الإسلام، لما في ذلك من الإهانة لكلام الله تعالى ووحيه وكلام نبيه صلى الله عليه وسلم.

وقد نص أهل العلم على أن من ترك شيئاً من القرآن أو الحديث في مكان مستقذر يكفر بذلك، فما بالك بمن تجرأ على فعل ذلك بنفسه.

قال العلامة خليل المالكي في المختصر: الردة كفر المسلم بصريح، أو لفظ يقتضيه، أو فعل يتضمنه؛ كإلقاء مصحف بقذر، وكذلك أي شيء من نصوص الوحي.

وجاء في الموسوعة الفقهية: فالإهانة التي تلحق بالعقيدة والشريعة كالسجود للصنم، أو إلقاء مصحف في قاذورة، أو كتابته بنجس، أو سب الأنبياء والملائكة، أو تحقير شيء مما علم من الدين بالضرورة تعتبر كفراً.

وكل من ساعد في هذا العمل، فإنه يناله من الإثم ما ينال الفاعل إذا كان عالماً متعمداً، قال الله تعالى: وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللهِ يُكَفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلاَ تَقْعُدُواْ مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ اللهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (سوره النساء: 140).

فهذا قمة التعاون على الإثم والعدوان الذي نهى الله تعالى عنه بقوله: وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (سوره المائدة: 2).

وأما غير المسلم فهو كافر أصلاً ولا يرجى منه خير، ولا يزيده ذلك إلا كفراً وظلمة على ظلمة وعذاباً على عذاب...

نسأل الله تعالى العافية والسلامة.

فعلى قول الجمهور وهو الحق الذي لا ينبغي العدول عنه فإنه لا تجوز كتابة القرآن بالدم، بل إن ذلك من كبائر الذنوب بل قد يكون كفراً والعياذ بالله.

واما غير المسلم فهو كافر أصلاً ولا يرجى منه خير، ولا يزيده ذلك إلا كفراً وظلمة على ظلمة وعذاباً على عذاب...

نسأل الله تعالى العافية والسلامة.

فعلى قول الجمهور وهو الحق الذي لا ينبغي العدول عنه فإنه لا تجوز كتابة القرآن بالدم، بل إن ذلك من كبائر الذنوب بل قد يكون كفراً والعياذ بالله.

ترجمه سوال وفتواى دوم :

آيا نوشته كردن قرآن كريم به خون انسان زنده باشد ويا مرده درست است؟

موقف كسانيكه امر به نوشته كرده چه خواهد بود؟

موقف كسانيكه مساعدت وتأيد كردند چه خواهد بود ؟ آيا فرق در ميان فاعل مسلمان ويا كافر درصورت ارتكاب اين عمل وجود دارد؟

ج : همه ستايش تنها به خداوند (ج) درود وسلام بر فرستاده الله (ج) وبر آل و صحابه

ketabton.com - The Digital Library

گانش. كتابت آيات قرآن كريم به خون بشر يا غير آن از نجاسات (پليدي ها)ويا كثافات طبعي گرچه پاك هم باشد شرعاً درست نيست تحرير احاديث رسول الله(ص) به اشياي نا پاك وهمچنان نجس درست نيست، كسيكه اين عمل را به قصد اهانت بردين انجام دهد كافر ومرتد ميشود، زيرا ارتكاب چنين اعمال اهانت به كلام الله(ج) وحي واهانت به كلام سرور كائنات محمد(ص) است. البته اهل علم تصريح برآن دارند، كسيكه چيزي(اوراق) از قرآن كريم واحاديث رسول الله (ص) را درجاي كثيف ونا پاك بگذارد كافر ميشود، چه گمان داري درحال او كسانيكه به نفس خود اين را درصحنه عمل پياده مي كند، علامه خليل مالكي در كتاب مختصر خود چنين بيان نموده: مرتدشدن (ازدين برگشتن) مسلمان كفر صريح است، يا لفظ كه افاده كفر را كند، ويا عمل وفعل كه معني كفر را برساند، همانند انداختن مصحف شريف در كثافات و جاي نا پاك وهم چنان چيزي از نصوص وحي را در محل كثيف انداختن همگي اينها عمل كفري است.

در(الموسوعه الفقهيه) آمده هر اهانت كه مربوط به عقايد شرعي مي شود، همانند سجده به بت، يا انداختن قرآن كريم (مصحف) درجاي كثافات داني، يا كتابت مصحف (قرآن كريم)به نجاست، يا دشنام دادن انبياء وفرشته گان ويا تحقيرچيز كه از ضروريات دين به حساب مي آيد كفر است.

هركسيكه بر اين عمل نا مشروع كمك كرده ويا تأييد نموده درگناه شريك مي باشد، همانند كسيكه فاعل مستقيم گناه است.

چنانچه قرآن كريم درآيه 140 سوره نساء ارشاد مي فرمايد: ترجمه : البته در (قرآن) برشمانازل كرده كه هرگاه شنيديدآيات خدا مورد انكار و ريشخند قرار مي گيرد با آنان منشينيد، تا به سخن غير ازآن درآيند، چراكه دراين صورت شما هم مثل آنان خواهيد بود، خداوند(ج) منافقان وكافران را همگي در دوزخ گردخواهد آورد.

اين جزا ء درحقيقت تاوان همان همكاري برگناه دشمني هاي است كه الله (ج) از از آن منع كرده. چنانچه در آيه 2 سوره مائده خداوند (ج) مي فرمايد. ترجمه : اي كسانيكه ايمان آورده ايد حرمت شعاير خدا و ماه حرام وقرباني بي نشان و قرباني هاي گردن بند دار و راهيان بيت الحرام را كه فضل وخوشنودي پرورد گارخودرا مي طلبند.

اما غير مسلمانان كافر ومنكر دين اسلام اند، از ايشان هيچ نوع توقع نيكي برده نمي شود، احياناً مرتكب چنين عملي شوند، جز اينكه به كفر، ظلم ومعصيت وعذاب شان بيافزايند نتيجه ديگري نخواهد داشت، من براي خود وجميع مسلمانان از الله توانا عافيت ميخواهم.

بنا برقول جمهور علماء واين حق است كه مناسب نيست از آن عدول شود، البته كتابت قرآن كريم به خون نادرست است، بلكه اين از گناه كبيره بحساب ميرود، گاهي به كفر منجر ميشود، پناه ميبرم به پروردگار عالم از شراين گناه.

اما غير مسلمانان منكردين هستند از ايشان اصلاً توقع نيكي برده نمي شود، درصورت مرتكب اين عمل، به كفر، ظلم وبرعذاب خويش مي افزايند.

من براي خود وجميع مسلمانان از الله توانا عافيت وسلامت ميخواهم .

سوال وفتوای سوم :

ما حكم كتابة القرآن بالدم ؟

الاجابة :القرآن كلام الله سبحانه وتعالى، وكما يطلق القرآن على كل ما بين دفتى المصحف

ketabton.com - The Digital Library

يطلق على السورة والآية منه .
والقرآن كتاب تعبد وهداية وإرشاد للبشر كما فيه سعادتهم فى الدارين (الدنيا والآخرة) من عبادات ومعاملات وأخلاق .
ولذلك يجب تقديسه وتكريمه والبعد عن كل ما يخل بشىء من ذلك .
ولذلك لا يجوز كتابته إلا بما هو طاهر زكي .
ولذلك أيضاًلم يجز الفقهاء للمحدث حدثا أصغر (غير المتوضئ) ولا المحدث حدثا أكبر (الجنب) والحائض والنفساء مس القرآن ولا شىء من آياته إلا بغلاف منفصل لقول الرسول صلوات الله وسلامه عليه (**لا يمس القرآن إلا طاهر**) وأجازوا ذلك للضرورة كدفع اللوح أو المصحف إلى الصبيان لأن فى المنع من ذلك تضييع حفظ القرآن، وفى الأمر بالتطهير حرج عليهم .
كما نصوا على كراهة كتابة القرآن وأسماء الله تعالى على الدراهم والمحاريب والجدران وكل ما يفرش (الهداية وفتح القدير ج 1) وليس هناك ضرورة تدعو إلى ذلك، فيكون الأحوط فى المحافظة على القرآن وآياته والبعد به عن كل ما يخل بتقديسة وتكريمه أو الوقوع فى الممنوع .

ترجمه سوال وفتواى سوم :

حكم كتابت قرآن كريم به خون چيست؟

جواب : قرآن كلام پروردگار عالم است، اطلاقش با تمام سوره هاي آن به شكل دسته جمعي ويا بطور انفرادي به هر فرد سوره و آيات آن اطلاق ميگردد.
قرآن كتاب هدايت وارشاد، سعادت براي كافه بشريت در دنيا و در آخرت مي باشد كه حاوي جميع عبادات، معاملات واخلاقيات است.
بدين جهت براي همه كافه بشريت تعظيم وتقديس وگرامي داشت آن واجب است، ودور داشتن هرچيز كه به تقدسات وگرامي داشت آن اخلال مي كند نيز واجب مي باشد، برهمين جهت كتابت آن جايز نيست و نيز قرآن كريم براي كسانيكه وضوء ندارند اجازه مساس نمي دهد. برابر است حدث صغير داشته باشد ويا كبير، همانند جنب، حائض (عادت ماهوار) نفساء.(خون كه از عقب ولادت مي آيد) ايشان قرآن مكمل ويا سوره و آيات آنرا مساس كرده نمي توانند(دست رسانده نمي توانند) مگر اينكه قرآن كريم در داخل پوش كه جدا بوده باشد درست است، چنانچه رسول الله (ص) فرمودند(قرآن را مساس كرده نميتواند مگر شخص پاك) .
مگر درصورت ضرورت، مثلاً قرآن كريم در تخته نوشته باشد، از جاي بر جاي ديگر انتقال داده شود، ويا براي تعليم اطفال، زيرا كودكان تكليف شرعي ندارند، ويا برحسب دوام طهارت كردن براي كودكان يكنوع حرج است. وهم درصورت منع ايشان از تلاوت قرآن كريم به حالت بي طهارتي ضايع شدن وقت وحفظ قرآن ميگردد.
ونيز فقه ها صراحت بخشيدند كه كتابت قرآن بر منزال وخانه ها ، محراب، ديوارها، مكروه است، دركتاب فتح القدير جلد1 گفته شده درست نيست، زيرا دراين ها ضرورت وجود ندارد. بدين جهت در محافظت قرآن كريم جديت شود وآيات آن از آنچه بر احترام اش اخلال مي كند دور نگهداشته شود.

ماخذ ها فتواى كه بشكل سوال سه گانه درفوق تحرير يافته است

١- فتوى اركان الاسلام لشيخ ابن عثيمين رحمه الله صفحه ١٣٠ جلد ١

ketabton.com - The Digital Library

٢- فتوى اللجنة لبحوث العلمية و الافتاء ج ٢٢ ص ١٥٠

تبصره :

استاد غلام رباني اديب :

برمقاله حكم مصحف(قرآن) كه به خون صدام حسين تحرير گرديده چيست؟

جاي شك نيست، خون مسفوح حرام است، نه خوردن آن جواز دارد و نه تحرير قرآن كريم به آن.

دلايل قرآني:

آيه 13-17سوره عبس: فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿13﴾مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿14﴾بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿15﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿16﴾ قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿17﴾ ترجمه :

قرآن در الواح (تخته) پرارزشي ثبت است، الواحي و الاقدر و پاكيزه، به دست سيفراني است، والا مقام فرمان بردار ونيكو كار، مرگ براين انسان چقدر كافر و نا سپاس است.

آيات فوق افاده ميكند قرآن كريم قبل از نزول در صحف (اوراق) پاك تحرير يافته است، بعداز نزول به محمد (ص) نيز در اوراق پاك تحرير مي گردد قسميكه تعامل كلي درميان جهان اسلام است، درپاك ترين اوراق چاپ ونوشته ميشود، وهم از پاك ترين رنگ استفاده صورت گرفته وميگيرد، زيرا قرآن وا لا مقام وپاك است، بايد از رنگ پاك دركاغذ پاك از دست اشخاص پاك وبا طهارت، تحرير گرديده بدست افراد پاك وبا طهارت قرار گيرد، وبحيث كتاب هدايت دستورالعمل همه جهان بشريت بوده، زيرا اين كتابي است همه نياز مندي هاي بشريت را بطور آسان حل كرده، اگر انسان روي سركشي وعناد رجوع براين كتاب نميكند زيانش عايد حال خود ميگردد.

تعظيم قرآن:

محبت، احترام، تعظيم، قرآن كريم با همه واجب است، هيچ كس حق ندارد، قرآن را از رنگ وخون حرام دركاغذ ناپاك تحرير نمايد، ويا اين كتاب عظيم را زير ديگر كتاب ها بماند، يعني فرق بين كلام الله (ج) وكتاب بشر نكند، اين عمل بخاطرسبك شمردن كتاب خداوند (ج) بوده باشد كافر ميشود،هدف اساسي از تعظيم قرآن ترجيح دادن آن بالاي همه كتب ودستورالعمل بودن آن، ومرجع هدايت دانستن آن است، آيا مصحف كه به خون صدام حسين تحرير گرديده، قابل حفظ است، گرچه تحرير قرآن كريم به خون نادرست است ، اما قرآن كه به خون صدام حسين نوشته شده، بايد حفظ واحترام گردد، زيرا اين حفظ واحترام بخاطر خون نيست بلكه بخاطر است كه آيات ، جملات، كلمات ولفظ كه بر خون تحرير گرديده ، دلالت كننده بر معاني است كه آن مطلوب ومقصود است، قسميكه قرآن تحرير يافته از رنگ پاك دلالت بر معاني ومطلوب مي نمايد، درافاده واستفاده مقاصد وجه مشترك دارند، بدين جهت اين مصحف كه بخون صدام تحرير گرديده بخاطر خون بودن بي احترامي نشود.

خون در ذات خود مفيد است :

خون در ذات خود مايه حيات زنده جان ها است، ويك ماده حيات بخش مفيد در بدن مي باشد بدون آن استمرار زندگي درعالم اسباب ناممكن است، اگرگروپ خون كسي با مريضي كه نياز به خون دارد موافقه كند، حسب هدايت داكتراز خون بخاطر بقاي حيات يك انسان استفاده صورت ميگيرد، باكي ندارد بلكه خون دهنده ايثار و فداكاري كرده، ثواب عظيم را نايل شده است، اما پروردگار عالم خون را در رديف گوشت خود مرده و

ketabton.com - The Digital Library

خوك حرام قرار داده، تا مردم به صفت غذا نخورند، تا مكروب هاي خون در بدن شان سرايت كرده به مرض مبتلا نسازد، حرمت خون ومنع شرع از خوردن آن به معني غير مفيد بودن خون نيست، بسا چيز حرام است اما مايه حيات ابتدايي يك زنده جان را تشكيل ميدهد، همانند تغذيه جنين در بطن مادر از خون،با وجود اينكه خون نا پاك است بازهم تغذيه كودك از آن صورت ميگيرد، آب مني درذات خود ناپاك مي باشد، حتي درلباس برسد، توسط آب پاك كرده ميشود، باآنهم ماهيت خلقت انسان را تشكيل ميدهد، كود حيواني جهت رشدكشت در زمين انداخته ميشود، از محصول آن انسان استفاده مي نمايد، خر(حمار)درنمك به افتد ماهيت آن به نمك تبديل ميگردد، اشياي نا پاك در زمين دفن گردد با گزشت زمان جز زمين مي شود مشرك نجس است، وقتي ايمان آورد، گناهش مورد عفو قرار ميگيرد، پاك ميشود.

قرآن آن چنان كلام عظيم است، رنگ وصفت هيج چيز را بخود نمي گيرد، اما ديگر چيز تحت تاثير قرآن قرار گرفته از او رنگ مي گيرد، بناءً به صراحت گفته مي توانيم مصحفه كه توسط خون حرام تحرير گرديده است، حيثيت رنگ را با خود گرفته از دو طريق به خون آمده از نگاه كمي و كيفي، تغير كمي به اثر خشك شدن حالات ابتدايي كه داراي رطوبت، بوي وطعم است از ميان رفته.

تغيركيفي :

خون تبديل به حروف، كلمات، جملات وبالأخره به آيات قرآن شده، قبلاً گفته شد، در نظام طبيعت اشياي ضعيف به اثر خلط شدن درقوي جزآن ميشود، همانند افتيدن حيوانات حرام در كان نمك دفن شدن اشياي نا پاك در زمين به اثر تغير ماهيت جزء كان وزمين ميگردد.

قرآن كلام پروردگار عالم چنان قوي است تحت تاثير چيزي نمي رود وتابع چيزي ديگر نميشود.

بناءً مصحف تحرير يافته به خون صدام حسين قابل حفظ واحترام است.

اين يك امر استثنائي است :

خوانندگان عزيز توجه فرمائيد،درتاريخ اسلام چنين امر بي سابقه است، اگر صدام حسين چنين عملي را انجام داده اشتباه كرده، هيچ كس چنين حقي را ندارد، باتقليد از صدام ويا به اختيارخود به خون، كلام خدا را تحرير نمايد، نبايد اين عمل تكرار گردد. (استاد غلام رباني اديب)

تتبع ونگارش :

امين الدين « سعيدى- سعيد افغانى »

مدير مركز مطالعات ستراتيژيكى افغان

ومسؤل مركزفرهنگى د حق لاره- جرمنى

ادرس :saidafghani@hotmail.com

Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English